

خوانش کتاب‌نوشت‌های حبیب یغمایی

نقد و بررسی کتاب

اسماعیل مهدوی راد



کتاب و کتابشناسی در نوشته‌های حبیب یغمایی؛ سیدعلی آل داوود؛
تهران: خانه کتاب، ۱۳۹۴

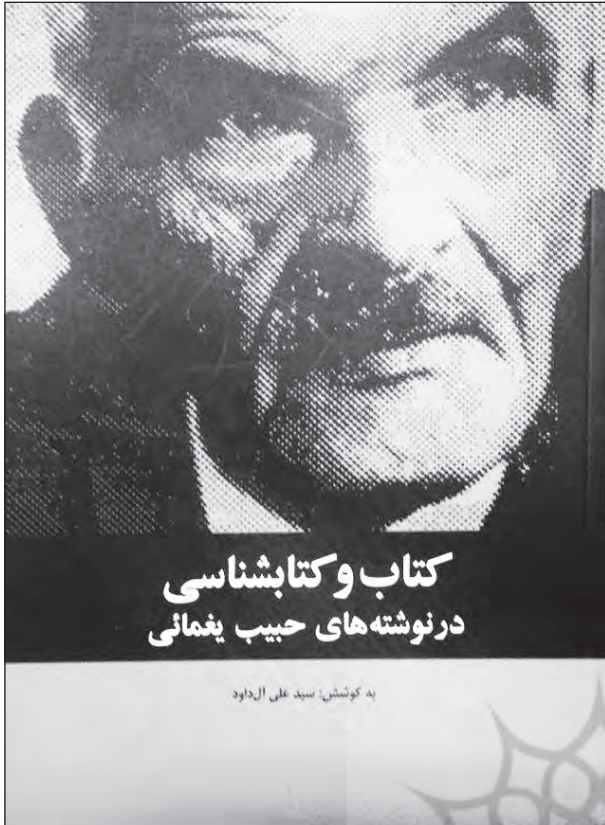
چکیده: نقد و بررسی کتاب‌های منتشر شده، اطلاع‌رسانی درباره آنها و معرفی کتاب‌ها به جامعه، در زمان‌های گوناگون منجر به انتشار مجلاتی در حوزه نقد کتاب شده است. در این میان، نشریه یغما از جمله نشریاتی بود که به حوزه کتاب به صورت جدی می‌پرداخت. نوشته‌های حبیب یغمایی در نشریه یغما منعکس کننده علاقه وی در برنمودن ویژگی کتاب‌ها و میراث مکتوب است. نویسنده نوشتار حاضر را با هدف معرفی کتاب «کتاب و کتابشناسی در نوشته‌های حبیب یغمایی» به رشته تحریر درآمده است. کتاب مذکور توسط علی آل داوود و انتشارات خانه کتاب در سال ۱۳۹۴ به طبع رسیده است. نویسنده این جستار، نخست به اختصار اشاره‌ای بر زندگی نامه حبیب یغمایی و مجله یغما دارد. در ادامه، پس از نگاهی گذرا بر بخش‌های کتاب، برخی مطالب خواندنی آن را با ذکر شماره صفحه و برداشت خود از مطالب نقل شده در کتاب، بیان می‌دارد.

کلیدواژه‌ها: کتاب «کتاب و کتابشناسی در نوشته‌های حبیب یغمایی»، نشریه یغما، حبیب یغمایی، کتاب، کتابشناسی، نوشته‌های حبیب یغمایی، علی آل داوود، معرفی کتاب، نقد کتاب.

کتابشناسی و قلم‌زدن در حوزه کتاب از دغدغه‌های همیشگی علاقه‌مندان و پژوهشگران این حوزه بوده است. نقد و بررسی کتاب‌های منتشر شده، اطلاع‌رسانی درباره آنها و معرفی کتاب‌ها به جامعه کتاب‌خوان و کتاب‌دوست در زمان‌های گوناگون منجر به انتشار مجلاتی در حوزه نقد کتاب شده است. اگرچه تعداد این نشریات در ادوار مختلف زمانی چندان چشمگیر نبوده - به ویژه اکنون -، اما همین تعداد کم‌مایه امید است برای گستراندن فرهنگ مطالعه و نیز گسترش انتشار کتاب‌هایی که از حیث اتقان و استواری شایان توجه و درخور نگرستن هستند. نشریه یغما از جمله نشریاتی بود که به حوزه کتاب به صورت جدی می‌پرداخت و از پس سی و یک سال انتشار دایرةالمعارفی سترگ در موضوعات ادبی و تاریخی رارقم زد. نوشتار حاضر در پی معرفی کتابی است با نام کتاب و کتابشناسی در نوشته‌های حبیب یغمایی. این کتاب نمایاننده علاقه و علقه حبیب یغمایی است در برنمودن کتاب‌ها و ویژگی‌هایشان و گزارش میراث مکتوب دهه ۲۰ تا ۵۰ شمسی که در نوشته‌هایش در مجله یغما مجال نشر یافته بود.

حبیب یغمایی و یغما

حبیب یغمایی متولد سال ۱۲۷۷ در «خور» است. او پس از گذراندن دوران نوجوانی و هم‌زمان با کودتای سیدضیاءالدین و سردار سپه به تهران آمد. بعد از فعالیت‌های آزادیخواهانه به مطالعات ادبی روی آورد و با مخبرالسلطنه هدایت در تنظیم کتاب‌های درسی همکاری کرد که



در مجله آینده چاپ شده است. این خاطرات در سال ۱۳۷۲ به همت مرحوم ایرج افشار زیر عنوان خاطرات حبیب یغمایی از روزگار مجله نویسی منتشر شده است.

۲۶ نوشته کوتاه و بلند زیر عنوان «کتابشناسی و کتابخانه» بخش دوم کتاب را تشکیل می‌دهند. در این بخش نوشته‌هایی در باب کتاب‌های مهمی چون تفسیر طبری، شاهنامه، خمسه نظامی و کتابخانه‌های شناخته شده ایران و خارج آمده است. پایان بخش این قسمت گزارشی است از کتابخانه حبیب یغمایی در خور بیابانک و اساسنامه آن.

در بخش سوم، «نقد و بررسی کتاب»، ۵۱ مقاله در نقد کتاب‌های منتشر شده دهه ۲۰ تا ۵۰ شمسی آورده شده است. برخی نقدها مفصل و برخی کوتاه هستند. بخش چهارم با عنوان «معرفی و نقد کتاب، گوناگون و کوتاه» دربرگیرنده ۱۲۲ مطلب و نوشته کوتاه است. این بخش در واقع ادامه بخش سوم است با این تفاوت که مقالات کوتاه‌تر در این بخش آمده و برخی آثار معرفی شده، مجلات و کتاب‌هایی هستند که در خارج از کشور چاپ شده است.

نگاه گذرا - گزیده‌ها

پس از نگاهی گذرا بر بخش‌های کتاب، برخی مطالب خواندنی کتاب که کم‌شمار هم نیستند را می‌آوریم. در نقل مطالب ابتدا شماره صفحه کتاب حاضر می‌آید و سپس برداشتی از مطلب نقل شده در کتاب. منبع گزیده‌های، متن کتاب کتاب و کتابشناسی در نوشته‌های

الته دیری نپایید. یغمایی از سال ۱۳۱۳ تا سال ۱۳۲۱ در کنار فروغی به تصحیح گلستان سعدی مشغول شد. او از این دوران همواره به نیکی یاد می‌کند. پس از این دوران یغمایی در سال ۱۳۲۴ روزنامه یغما را در چهار یا شش صفحه بزرگ راه‌اندازی می‌کند، اما پس از افت و خیزهایی، مهم‌ترین اتفاق مطبوعاتی زندگی حبیب یغمایی رقم می‌خورد: انتشار مجله یغما در فروردین ۱۳۲۷؛ نشریه‌ای که سی و یک سال و تا اسفند ۱۳۵۷ پایید. اگرچه این افسوس بر اهل کتاب باقی است که این نشریه در محاق ماند و یغمایی به درخواست‌های دوستان کتاب و نشریه و دوستان خود از جمله جلال متینی و سید جعفر شهیدی برای ازسرگیری انتشار آن پس از اسفند ۵۷ وقعی ننهاد.

در نشریه رستاخیز جوانان در مقاله «استاد یغمایی: مطبوعات فکر تازه‌ای ندارند» آمده است: هیچ ادیب و نویسنده بزرگی وجود ندارد که یا شعرش یا اثرش در مجله یغما چاپ نشده باشد. این را خارجی‌ها بیشتر درک می‌کنند.^۱

بدیع‌الزمان فروزانفر نیز در دوره نخستین مجله یغما نشر صدها مقاله ازجمله را برای این نشریه توفیقی بزرگ شمرده بود.^۲

نشریه یغما گذشته از جایگاه استوار و اهمیتی که در تاریخ مطبوعات دارد، واجد ویژگی‌ای است که شاید دلیل تدوین کتاب و کتابشناسی در نوشته‌های حبیب یغمایی هم باشد. بنا بر گفته سید علی آل داود در مقدمه این کتاب، دفتر نشریه اهتمام جدی بر معرفی کتاب‌های منتشر شده آن زمان به ویژه کتاب‌هایی که به دفتر مجله می‌رسیده داشته است. معرفی و گزارش تازه‌های میراث مکتوب آن دوران را در نشریه حبیب یغمایی یا دوستانش برعهده داشتند.

گزارش کتاب

سید علی آل داود پس از مقدمه آقای جلیسه و مقدمه‌ای کوتاه از خود، نوشتار نسبتاً بلندی دارد با عنوان «از یغمای جندقی تا حبیب یغمایی» که معرفی کامل و شایسته‌ای است از حبیب یغمایی.

پس از آن کتاب در چهار بخش تدوین شده است. بخش اول با نام «گزیده نوشته‌ها درباره کتابشناسان و کتاب دوستان» که در دو قسمت آمده است. قسمت اول ۲۴ یادداشت است درباره کتابشناسان و کتاب دوستانی که با حبیب یغمایی ارتباط داشتند. منبع این قسمت بیشتر نوشته‌های مجله یغما یا برنامه رادیویی یادداشت‌های یک استاد است که به درخواست رادیو ایران از سال ۱۳۴۱ شروع شد. قسمت دوم بخش اول برش‌هایی است از خاطرات حبیب یغمایی است که پس از تعطیلی نشریه و به درخواست استاد ایرج افشار نگاشته و به تدریج

۱. پژوهشگران معاصر ایران: کریم اتحاد؛ تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۸۴، جلد ۸، ص ۱۸.
۲. همان، جلد ۸، ص ۱۸.

حبیب یغمایی است و ناگفته پیداست که در این کتاب همین منابع با آدرس دهی دقیق از مجله یغمانقل شده است.

- صفحه ۳۶: زیرنام عباس اقبال آشتیانی از مقالاتی یاد شده است که مرحوم دهخدا با عنوان «تصحیح لغات فرس اسدی» به مجله یغما می‌داده است و چون عباس اقبال از حبیب یغمایی گلابه کرده، او ترجیح داده تا دیگر این مقالات را چاپ نکند تا موجب رنجش اقبال نشود.

- صفحه ۴۲: حبیب یغمایی از علامه محمد قزوینی به نیکی یاد می‌کند و او را در زمره اولین کسانی می‌داند که تصحیح متون کهن را به شیوه علمای بزرگ جهان بنا نهاد. یغمایی در وسواس و دقت قزوینی گزارشی دارد با این مضمون که اگر بخوایم بسم الله الرحمن الرحیم را هم نقل کنیم به به قرآن رجوع می‌کنم. یغمایی اضافه می‌کند که با همه این وسواس قزوینی به یغمایی برای نشر آثارش اجازه‌ای داده که به زعم یغمایی به کسی داده نشده است.

- صفحه ۵۴: یغمایی از انتقادهای محمد فرزانه بر ترجمه پاینده یاد می‌کند و تهدیدهای پاینده و پاسخ تند یغمایی: «در آن اداره که توعضوهستی، من رئیس هستم». با این همه محمد فرزانه دیگر نقد ترجمه پاینده را ادامه نداده است. یغمایی معتقد است که ترجمه پاینده اشتباهات فاحشی داشته است و نقد فرزانه را خدمت به ترجمه پاینده می‌داند. در همین نوشتار کوتاه یغمایی از این می‌گوید که فرزانه نقد هایش بر ترجمه رهنما را به او نداده است و به این دلیل او را با صفاتی چون مردی پرده‌پوش، مذهبی و انسان یاد می‌کند. حبیب یغمایی که گویا علاقه بسیاری به محمد فرزانه دارد در جای دیگر کتاب و در صفحه ۲۷۹ عبارتی را در وصف محمد فرزانه می‌آورد که بیانگر دیدگاه او نسبت به فرزانه است: «او تمام صفاتی را داشت که برای ائمه دین می‌شمارند».

- صفحه ۵۷: از خدمات علی اصغر حکمت یاد شده است، از جمله انتشار آثار نویسندگان قدیم، عکس برداری نسخه‌های فارسی در کتابخانه‌های دنیا، نظم بخشی به کتابخانه ملی، تأسیس دانشگاه تهران و... با این همه در ادامه می‌افزاید که حکمت این همه را به نام شاه می‌کرد و از شاه می‌ترسید و چند نمونه از بیمناسکی حکمت را می‌آورد.

- صفحه ۸۵: یغمایی از تلاش خود برای تحت‌اللفظ قرار گرفتن ترجمه فارسی زیر خط قرآن با وجود مشکلاتی که داشته یاد می‌کند و می‌گوید که با خط خود و با اعتقاد تمام ترجمه را می‌نوشته است. در صفحه ۸۶ کتاب تصویر دستخط یغمایی که زیر آیات قرآن ترجمه آن را نوشته آمده است.

- صفحه ۱۰۰ تا ۱۰۲: توضیحاتی از حبیب یغمایی بر دو مقاله «سلطان قاجار و یغمای جندقی» از احمد گلچین معنی و «میرزا احمد صفایی»

از عبدالرفیع حقیقت آمده است که بسیار خواندنی است.

- صفحه ۱۱۷ تا ۱۲۷: نامه‌های حبیب یغمایی و مهدی بیانی رئیس وقت کتابخانه ملی به یکدیگر آمده است که در عین احترام بسیار صریح است. ماجرا این‌گونه است که پس از چاپ نوشته‌ای با عنوان «کتابخانه‌های عمومی» در شماره ۱۱ مجله یغما در بهمن ماه ۱۳۳، مهدی بیانی پاسخی به مجله یغما می‌دهد که پس از چاپ آن، حبیب یغمایی ضمن پاسخ به ایشان، انتقادات تندی را به فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی و مدیریت کتابخانه ملی وارد می‌کند. این نامه در ضمن خود تقریباً گزارشی است از وضعیت آن روزهای کتابخانه ملی به قلم حبیب یغمایی.

- صفحه ۱۳۱ تا پایان بخش دوم (صفحه ۱۴۳): گزارشی تاریخ‌گزارانه از تأسیس کتابخانه خور بیابانک به قلم حبیب یغمایی آمده است. اساسنامه کتابخانه، سخنرانی ابوالقاسم یغمایی و گزارشی از کتاب‌هایی اهدایی و دیگر هدایا به کتابخانه خور بیابانک از دیگر مطالب این بخش کتاب است.

- صفحه ۱۴۷ تا ۲۳۹: این صفحات بیشتر معرفی و نقد کتاب‌های منتشر شده آن دوران است. نکته جالب اینکه تقریباً بیشتر کتاب‌های مهم و جریان‌ساز آن دوران (دهه ۲۰ تا ۵۰) در مجله یغما معرفی شده‌اند و اهتمام ارباب نشر به یغما در شناساندن و برنمودن کتاب‌ها نشان از اهمیت ایشان به جریان کتاب در آن دوران است.

- صفحه ۱۷۴: کتاب گزینۀ نشر فارسی خطیب رهبر به صورت کامل معرفی شده است. حبیب یغمایی انتقاداتی به کتاب کرده و گفته است که کتاب ضعف‌های بی‌شماری دارد، به‌گونه‌ای که اگر تدوین این کتاب را به هر شخص دیگری از استادان دانشکده ادبیات می‌دادند، کتاب ممکن بود بهتر از این از کار در بیاید. نکته جالب اینکه در مجله یغما این نوشته با امضای «خواننده مجله یغما» چاپ شده است، اما به زعم سیدعلی آل داود و به استناد ایشان به سبک نگارش و قلم نویسنده، این مطلب نوشته حبیب یغمایی دانسته شده است.

- صفحه ۱۸۲: مجله ادب افغانستان در این صفحه معرفی شده است. حبیب یغمایی می‌نویسد که اگرچه در ایران آثار افرادی چون خلیل‌الله خلیلی، نجیب مایل هروی و عبدالحی حبیبی را می‌شناسیم، اما در این نشریه افرادی هستند که به گواهی نوشته‌هایشان بسیار پرمایه و عالمانه نوشته‌اند و در پایان پیشنهاد داده است که مقالاتی در موضوعاتی چون «هنر اسلامی»، «اجزای جمله»، «ادب محلی هزارگی» و «تحقیق درباره دستور زبان دری» در نشریه به چاپ برسد.

- صفحه ۱۹۳: یغمایی به کتاب قصه‌نویسی رضا براهنی می‌پردازد و کنایه‌ای می‌زند به نظم و اشعار رضا براهنی و می‌گوید که ای کاش

کسانی که وسواس و احتیاط بیشتری دارند و کسانی که وسواس کمتر و ذوق بیشتری به خرج می‌دهند. یغمایی از قزوینی و خانلری با عنوان سرآمدان تصحیح یاد می‌کند که بسیار محتاطانه و با وسواس دست به تصحیح متون می‌برند.

- صفحه ۲۷۳: به بهانه کتاب‌های ارزشمند انتشارات دانشگاه تبریز، یغمایی بنیان این انتشارات را می‌نوازد و از چند تذکره منتشر شده این دانشگاه به طور خاص نام می‌برد: حدیقه امان‌اللهی، سفینه محمود و تذکره روضه السلاطین

صفحه ۲۷۸: حبیب یغمایی مجله کاوه چاپ برلن را در دو دوره بررسی می‌کند و دوره دوم آن را که از مباحث سیاسی فاصله گرفته و بیشتر به ادبیات و تاریخ می‌پردازد، مفیدتر می‌داند و خوانندگان مجله یغما را تشویق به تهیه این دوره از انتشارات امیرکبیر می‌کند.

صفحه ۲۹۹: یغمایی برای معرفی کتاب چندان به نام و نشان اهمیت نمی‌دهد و تنها مفید بودن کتاب را در نظر می‌گیرد. برای نمونه در صفحه ۲۹۹ جزوه‌ای کم‌برگ و پرمطلب را معرفی می‌کند که تنها نام نشریات منتشر شده در تهران و شهرستان‌ها در آن آورده شده است، اما به زعم او، همین جزوه کم‌برگ گام مهم وزارت اطلاعات در راه گسترش و آشنایی با مطبوعات است. یغمایی از مقدمه کتاب در باب تطور چاپخانه در ایران هم به نیکی یاد می‌کند.

صفحه ۳۰۴: حبیب یغمایی مطلع شده است که مظاهر مصفا مشغول تصحیح گلستان سعدی است و فروتنانه در یکی از صفحات نشریه از دوستان انجمن ادب شیراز می‌خواهد که به مظاهر مصفا که از او به نیکی یاد می‌کند، در تصحیح گلستان کمک کنند و می‌گوید که خود او نیز اوراق و یادداشت‌هایش را از زمان تصحیح گلستان به همراه فروغی در اختیار مظاهر مصفا قرار داده است.

کتاب و کتابشناسی در نوشته‌های حبیب یغمایی در ۳۴۸ صفحه منتشر شده است. کتاب چنان که نمونه‌هایی از آن آورده شد، سرشار از نکته‌ها و گزارش‌های خواندنی است و مؤلف کتاب جناب آقای آل داود با ذوق و آشنایی کاملی که با نشریه یغما داشته‌اند، دستچینی بس خواندنی و ارزشمند از آن نشریه فراهم آورده‌اند. چاپ و صفحه‌آرایی کتاب شایسته است و به لحاظ بصری چشم‌نواز. برای بخش بیشتری از مطالب کتاب نشانی‌های دقیق از مجله یغما آمده است، به جز مطالبی چند از بخش اول و بیشتر مربوط به برنامه رادیویی استاد حبیب یغمایی و برخی مطالب پراکنده در فصل‌های مختلف کتاب که کاش منبع آنها نیز فراهم می‌شد. در پایان کتاب نیز نمایه مفصل و کارآمدی مشتمل بر اشخاص، کتاب‌ها و نشریات و مکان‌ها آمده است که برای بهره‌مندی از کتاب بسیار مفید است.

براهنی به نثر می‌پرداخت تا نظم که «باز نثرش». یغمایی اشاره می‌کند به یادکرد براهنی از مجله یغما و وحید و اینکه براهنی از این نشریات با عنوان «نشریات کهنه» یاد می‌کند.

- صفحه ۲۱۳: یغمایی از فضل‌الله گرکانی یاد می‌کند و کتابی که او نوشته و در آن ادعا کرده است که اشعار پروین از آن او نیست. سپس نقل می‌کند که وقتی یکی از نویسندگان - که یغمایی نام او را نمی‌آورد - در نوشته‌ای پروین را از بهار و رشید یاسمی برتر دانسته، بهار شعری سروده اینچنین:

فلان سفیه که بر حرف من نهاد انگشت
به مجمع فضلا باز شد مرا و را مشت
برای خاطر پروین اعتصام‌الملک
من و رشید و دگر خلق را نباید کشت

یغمایی در ادامه این بحث پروین را می‌ستاید و به بهانه بحث از پروین یاد می‌کند از ژاله قائم‌مقامی مادر استاد پژمان بختیاری.

- صفحه ۲۲۶: از مجله‌ای به نام «سعدی» یاد می‌شود که در شهر حیدرآباد و در انجمن بزم سعدی منتشر می‌شود. یغمایی نام می‌برد از مقاله‌ای لطیف و تاریخی به قلم آقای برق موسوی و شرح حالی از «برهن» و «لاهوری».

- صفحه ۲۳۱: یغمایی در لابه‌لای معرفی کتاب فرهنگ اشعار حافظ مناقشه‌ای در مفهوم تصوف دارد و آن را واکنش مردم حساس و هوشمند ایران به بسته بودن دست و زبان‌شان می‌داند و می‌گوید کسانی که صوفیان را بیکاره و منفی می‌دانند، احتمالاً تاریخ ایران و اوضاع سیاسی اجتماعی کشور را دقیق نخوانده‌اند.

- صفحه ۲۴۵: کتاب فارسی ۱، دوره راهنمایی تحصیلی به اهتمام حسن انوری بررسی شده است که یغمایی روی آن نظر مثبتی دارد و معتقد است کتاب مرغوب و مطلوب است و نمونه مناسب آمیختگی آثار نویسندگان نسل قدیم و جدید. همچنین به نیکی یاد می‌کند از مقاله محمدعلی اسلامی ندوشن درباره شهرنیشابور و نمونه‌ای از نثر صادق هدایت

- در بخش چهارم نوشته‌های متنوع از حبیب یغمایی با محوریت معرفی نشریات آمده است؛ از جمله صفحه ۲۴۸، معرفی نشریه دانشگاه پهلوی شیراز و بررسی‌های تاریخی؛ صفحه ۲۵۲ و ۲۵۳، معرفی روزنامه‌های اطلاعات و ستاره؛ صفحه ۲۵۴، معرفی نشریه هلال؛ صفحه ۳۰۱، مجله خواندنی‌ها و صفحه ۳۰۱، مجله عرفان.

- صفحه ۲۵۵: یغمایی دیوان حافظ به تصحیح انجوی شیرازی را معرفی می‌کند و به این بهانه دوروش متفاوت تصحیح را نام می‌برد: